

ایران و جنگ جهانی اول؛ قسمت یکم : صورت وضعیت

درآمد

آغاز جنگ جهانی اول با حضور کشورهای روس، فرانسه و انگلیس به نام «دول متفق» و کشورهای اتریش و آلمان به عنوان «دول محور» و پیوستن عثمانی، ایتالیا و ژاپن به گروه‌های متخاصم با یکدیگر، جهان را درگیر محاربه‌ای بزرگ و خانمانسوز کرد که ایران آن روزگار را هم به مناسبت موقعیت ژئوپولتیکی دور از معرکه نگذاشت. با وجود آنکه ایران در زمانه سلطنت احمدشاه قاجار و صدارت میرزا حسن مستوفی‌الممالک بیطرفی 1 خود را به دول متخاصم اعلام کرد اما نیروهای درگیر در جنگ این بیطرفی را عملاً و مکرراً نقض کردند و از این رهگذر خسارات فراوانی به کشور وارد آمد.

به دنبال آغاز جنگ در ژوئیه 1914م، عثمانی‌ها به بهانه آنکه روسها آذربایجان را اشغال کرده‌اند، با ارائه یادداشتی به دولت ایران، نقض نکردن بیطرفی کشورمان را موکول به بیرون رفتن روسها از آذربایجان کردند. تلاش دولتمردان ایران به منظور بیرون راندن روسها که از چند سال پیش از شروع جنگ، بخشهایی از شمال کشور را به اشغال خود درآورده بودند به نتیجه‌ای نرسید و آنها به بهانه حفظ جان اتباع خود در ایران، نیروهای خود را از آذربایجان و سایر نواحی اشغالی خارج نکردند و ایران همچنان به علت ضعف نیروهای نظامی خود ناگزیر به تحمل حضور بیگانگان و تجاوزات آنان در خاک خود شد. هر چند دلایل عمده و ریشه‌ای این اقامت مشکل‌ساز نیروهای بیگانه را در قرارداد 1907 و اولتیماتوم روسیه به ایران در مسئله اخراج مورگان شوستر آمریکایی، مستشار مالی، و پس از آن در قرارداد سرّی 1915 باید جست. در نوشتار حاضر سعی بر آن است تا به شرح گذرای مانیفست دیپلماسی ایران در خلال جنگ جهانی اول و بررسی نقض بیطرفی، اوضاع سیاسی، اجتماعی و رقابت روس و انگلیس در ایران پرداخته شود.

نقض بیطرفی و اشغال ایران

در قرن اخیر، میهنمان دو مرتبه به اشغال آشکار قوای اجنبی درآمد. پی‌آمد وقوع دو جنگ جهانی اول و دوم، به رغم اعلان بیطرفی دولت ایران، این بیطرفی به کار نیامد و به هیچ وجه مورد توجه نیروهای انگلیس و روس واقع نشد و بیطرفی ایران به دلایل واهی نقض شد. جنگ جهانی اول در 28 ژوئیه 1914 تقریباً هشت روز پس از تاجگذاری احمدشاه آغاز شد. این رویارویی نظامی که در ابتدا به مثابه تصفیه حساب میان قدرتهای طراز اول اروپا تلقی می‌شد، دامنه گسترده‌ای یافت. در ابتدا اتریش - هنگری به صربستان اعلام جنگ داد. روسیه قوای خود را در مرزهای اتریش - هنگری و متحد این امپراتوری، آلمان، متمرکز کرد. آلمان در یکم اوت به متحد روسیه، فرانسه، اعلان جنگ داد و در 3 اوت طبق نقشه شلایفن بخشی از بلژیک را تسخیر کرد. بریتانیا در 4 اوت به آلمان اعلان جنگ داد. در نوامبر 1914 ترکیه عثمانی متحد جنگی آلمان و اتریش شد و در اکتبر 1915 بلغارستان نیز به آنان پیوست. ژاپن (اوت 1914)، رومانی (ژوئیه 1916) و ایتالیا (مه 1915) به متفقین پیوستند و ایالات متحده در آوریل 1917 به آلمان اعلان جنگ داد و سرانجام با اعلان آتش بس آلمان در 11 نوامبر 1918 جنگ جهانی اول پایان یافت. 2

اما در ایران به گاه وقوع جنگ، صفحات شمالی و شمال غرب کشور زیر سلطه قشون روس قرار داشت. قوای روس در شهرهای آذربایجان، اردبیل، قزوین و انزلی، حضور نامشروع داشتند و بخشهایی از جنوب کشور از جمله بو شهر و بندر لنگه نیز در اشغال نیروی انگلیس بود.

در پی آغاز جنگ جهانی اول، ایران مشی بیطرفی اتخاذ کرد و فرمان احمدشاه مبنی بر اعلان بیطرفی دولت در 12 ذیحجه 1332 ق صادر شد.

نظر به اینکه در [1] بین اوقات متأسفانه بین دول اروپا نایره جنگ مشتعل است و ممکن است این محاربه به حدود مملکت ما نزدیک شود و نظر به اینکه روابط ودادیه ما بحدالله با دول متخاصمه برقرار است برای اینکه عموم اهالی از نیات مقدسه ما در حفظ و صیانت این روابط حسنه نسبت به دول متحاربه مطلع باشند امر و مقرر می‌فرماییم که جناب مستطاب اجل اشرف افخم اکرم مهین دستور معظم مستوفی‌الممالک، رئیس الوزرا و وزیر داخله فرمان ملوکانه را به فرمانفرمایان و حکام و مأموران دولت ابلاغ دارند که دولت ما در این موقع مسلک بیطرفی را اتخاذ و روابط دوستانه خود را با دول متخاصمه کماکان حفظ و صیانت می‌نماید و به این لحاظ مأموران دولت را باید متوجه نمایند که نباید وجهاً من‌لوجوه برآ و بحراً کمک به همراهی و یا ضدیت هر یک از دول متخاصمه نموده و یا اسلحه و ادوات حربیه برای یکی از طرفین تدارک و یا حمل کنند و باید از طرفداری با هر کدام از دول متحاربه پرهیز و احتراز نموده، مسلک بیطرفی دولت متبوعه خود را کاملاً رعایت نمایند و در تکمیل حفظ بیطرفی و صیانت روابط حسنه باز آنچه هیئت دولت مامصلحت داند و به عرض برسد در اجرای مقررات آن امر ملوکانه شرف صدور خواهد یافت. 3

به نظر می‌رسد که اعلام بیطرفی ایران تأثیر چندانی بر چگونگی مواجهه دول متحارب در استفاده از موقعیت سوق‌الجیشی کشورمان

نداشت. اندک زمانی پس از شروع جنگ، واحدهایی از سربازان انگلیسی به همراه قوای هندی زیر امر خود از بحرین وارد آبادان شدند و این شهر را اشغال کردند. عمده‌ترین توجیه گسیل این نیروی نظامی، ضرورت محافظت از تأسیسات استخراج نفت در منطقه خوزستان بود. در نیمه اول صفر 1333ق. تبریز به اشغال سپاه عثمانی درآمد (4) و کشمکش نظامی بین عثمانی و روس به اوج خود رسید. گروهی مرکب از نظامیان عثمانی و آلمانی تحرکاتی را در منطقه خوزستان و اطراف آن آغاز کردند. این فعل و انفعالات با واکنشی دیگر از سوی انگلیسی‌ها مواجه شد. آنان این کنش‌ها را به نوعی خرابکاری در امتداد خط لوله نفت تلقی کردند و بهانه تازه‌ای به دست آوردند تا نیروهای خود را رهسپار اهواز نمایند و حتی تا مسجدسلیمان هم پیشروی کنند.

فرصت استثنایی

در زمره بارزترین نوع مقاومت مردمی می‌توان به تکوین « کمیته دفاع ملی» اشاره کرد که توسط جمعی از مهاجران در قم شکل گرفت و شماری داوطلب در آن گرد هم آمدند. مرحله‌ای از اشغال کشور در حال شکل‌گیری بود و تهران و بسیاری دیگر از شهرها آستان حوادث بود. روسها با نیروی تازه نفس خود به فرماندهی باراتوف هسته مرکزی مقاومت کمیته دفاع ملی را در هم کوبیدند و شهرهای قم، اصفهان، همدان و کرمانشاه به دست قوای روس افتاد. هر چند مدت زمانی بعد در پی شکست مقطعی انگلیسی‌ها در عراق، قوای عثمانی از ولایات غرب وارد خاک کشورمان شدند و کرمانشاه و همدان را تصرف کردند، لیک همچنان حاکمیت سیاسی در نوسان و ناپایدار بود. در این اوضاع ایرانیان تماشاگر کش و قوس درگیری متحدین و متفقین در خاک خود بودند که هر از چندی کفه ترازو به سود یکی از طرفهای درگیر سنگینی می‌کرد.

انقلاب روسیه که در اکتبر 1917م روی داد، صفحه‌ای نو در تاریخ جنگ جهانی اول گشود. پیامد پیروزی انقلاب بلشویک‌ها در روسیه، به خروج قوای آن کشور از ایران انجامید. این امر موقعیتی مناسب و فرصتی استثنایی به منظور طرح خواسته‌های به حق ملت در لغو معاهدات ننگین و تحمیلی و تجدیدنظر در قراردادهای جاری را فراهم آورد. زمان و شرایط عینی ابراز مخالفت گسترده و عریان با بیگانگان پدیدار شده بود اما خیانت شماری از دولت‌مردان و رجال وابسته باعث شد تا فرصت طلایی روپارویی با بیگانگان و حضور نامشروع و اشغالگرانه آنان در میهن، از دست برود.

انگلیسی‌ها با برنامه‌ریزی ویژه خود جای خالی روسها را پر کرده بودند. آنان خطر آلمانها و عثمانی را بزرگ جلوه دادند و از این رو دست به مانور تبلیغاتی گسترده‌ای زدند تا به منظور جایگزینی نیروی نظامی و پلیسی خود در غیاب قوای روس، دستاویز لازم را همراه داشته باشند. بخشهایی از مرکز، غرب و به ویژه شمال کشور در معرض دگرگونی‌هایی بود تا اینکه در اواخر ماه محرم 1337ق، عثمانی‌ها شرایط ترک محاصره را پذیرفتند و دولت آلمان در 11 نوامبر 1918م، آتش بس اعلام کرد و جنگ جهانی اول در 9 صفر 1337ق/ 22 عقرب 1257خ خاتمه یافت. نقض بیطرفی و اشغال نظامی ایران در جریان جنگ جهانی اول بار دیگر حقایق چندی را روشن کرد و ضرورت اتخاذ خط مشی روشن و دیپلماسی فعال را باعث شد که در بخش دوم این نوشتار به آن اشاره خواهد شد.

1. « بیطرفی عبارت است از عدم شرکت در جنگ بین کشورهای دیگر... کشور بیطرف نباید طرفدار یا مخالف هیچ یک از طرفین محاصره باشد و اجازه ندهد که طرفین از اراضی این کشور استفاده کنند و باید از بیطرفی خود دفاع نماید. هیچ گونه کشمکش بین طرفین نباید در منطقه یا آبهای بیطرف انجام بگیرد.» غلامرضا بابایی. فرهنگ علوم سیاسی. ص 121. « مفهوم بیطرفی برحسب وضعیت سیاسی و جغرافیایی کشورهای مختلف، متفاوت است... بیطرفی از سویی " انزواگرایی" و از سوی دیگر کوشش مستمر برای تخفیف بحران بین‌المللی است. بیطرفی معمولاً دارای یک فلسفه سیاسی نسبتاً منسجم است.» داریوش آشوری. فرهنگ سیاسی. ص 51.

2. فرهنگ تاریخ. ترجمه احمد تدین و شهین احمدی. تهران، آگاه، 1369، ج 1، صص 470-471.

3. کتاب سبز. ص 20؛ این اثر دربرگیرنده مجموعه اسنادی درباره بیطرفی ایران در جنگ جهانی اول است و شامل « مراسلات و مذاکرات متعاطیه بین دولت علیّه و دول خارجه از بدو وقوع جنگ بین‌الملل در سنه 1333ق/ 1914م» است و به عبارتی نخستین اثر در این زمینه به شمار می‌آید که به سال 1336ق در مطبوعه روشنائی در خیابان علاءالدوله تهران به چاپ سپرده شد. کتاب سبز مکاتبات دولت درباره بیطرفی در شش ماه نخست جنگ جهانی اول با دول خارجی است. همچنین به منظور آشنایی با بخشی از اسناد وزارت کشور در این باره، کتابی با عنوان ایران و جنگ جهانی اول، اسناد وزارت خارجه. به کوشش کاهه بیات از سوی سازمان اسناد ملی ایران، به زیور طبع آراسته شد. افزون بر آن گزارش‌های سالانه بریتانیا در بوشهر در خصوص جنگ جهانی اول در جنوب ایران، ترجمه کاهه بیات، به اهتمام کنگره بزرگداشت هشتادمین سالگرد شهادت رئیسعلی دلواری، بوشهر، 1373، به چاپ رسید.

4. یادآور می‌شود که در این زمان مجلس شورای ملی در تعطیلاتی به سر می‌برد و نخستین جلسه از دوره سوم تقنینیه در مورخه یکشنبه 17 محرم 1333 با حضور 68 نفر به ریاست سنی حاج سهام‌الملک منعقد شد.